

مهدی بهراد

قسمت دوم

طرز بافتن رویه

گیوه



در شماره پیشین اولین قسمت از مقاله پژوهشی با عنوان هنر گیوه دوزی در روستای وفس را به چاپ رساندیم از تاریخچه گیوه گفتیم و به مراحل تولید گیوه در وفس رسیدیم. در این شماره به مواد اولیه و ابزار مورد استفاده در دوخت این پای افزار می‌پردازیم امید است که مورد توجه قرار گیرد:

مواد اولیه و ابزار مورد استفاده در

دیوچنی

۱. «دسه» (desse): در وفسی نخ را دسه گویند که برای کار رویه‌بافی سه نوع مختلف داشت: «دسه فرنگی» (desse-farangi)، «دسه ارمنی» (desse-armani) و «دسه ناید» (desse-nāid).

دسه فرنگی (نخ فرنگی)، هم از جهت رنگ و هم از جهت جنس، کیفیت خوبی داشت؛ دسه ارمنی (نخ ارمنی)، رنگی متمایل به زرد و کیفیتی کمتر از دسه فرنگی داشت. این نخ‌ها از شهرهای اصفهان و همدان خریداری می‌شد. اما دسه ناید (نخ ناین) که متعلق به شهر ناین یزد بود، رنگی به نسبت سفیدتر و کیفیت بالاتری داشت و قیمت آن در مقایسه با دو نوع دیگر، گران‌تر بود.

دسه به صورت کلاف (kalāf) بود و بچه‌های خریداری می‌شد. هر بچه حاوی ۱۵ تا ۲۰ کلاف بود و هر کلاف بین نیم کیلو تا یک کیلو وزن داشت. معمولاً افرادی که در وفس مغازه داشتند و یا کسانی که گیوه‌های آماده را برای فروش به شهرهای دیگر می‌بردند، این نخ‌ها را خریداری

کرده و در وفس می‌فروختند.

کلاف‌های نخ را اصطلاحاً «دسه خاو» (desse-xāw) (نخ خام) می‌گفتند که لازم بود کارهایی برای عمل‌آوری آن‌ها انجام شود تا قابل استفاده در دیوچنی باشند. کارهای عمل‌آوری نخ در وفس توسط همان زنان دیوچن (رویه‌باف) انجام می‌شد و مانند بعضی نقاط ایران، گروه دیگری مسئول این کار نبودند.

زنان و دختران دیوچن، ابتدا نوع دسه موردنظر خود را به صورت کلافی تهیه می‌کردند. سپس کلاف‌های دسه را به صورت چند لایه، پیچانده و نخ‌های چندلایه را «گمبله» (gombele) (گرد) می‌کردند. آن‌ها این کار را به وسیله «چار» (čāra) (دستگاه چهارچوب) انجام می‌دادند. روش کار به این صورت بود: ابتدا کلاف را به طور کامل بر روی چرخ میانی چار قرار داده و سر کلاف را در دست می‌گرفتند و با پیچاندن چار، نخ را دور دست خود و یا تکه‌ای چوب می‌پیچیدند تا گمبله (نخ گرد شده) درست کنند؛ بعد از اینکه به اندازه‌ی مورد نظر خود، دسه را به شکل گمبله پیچیدند، سر دسه را پاره کرده و گمبله‌ی آماده شده را روی

زمین قرار می‌دادند. حال، هم سر دسه‌ی روی چار و هم سر گمبله را در دست گرفته و دسه جدید را به صورت دولایه بر روی دست خود و یا تکه چوبی می‌پیچیدند تا گمبله دولایه درست شود. به همین ترتیب لایه‌های دسه را افزایش داده و به تعداد مورد نظر می‌رسانند که بین ۴ تا ۶ لایه متفاوت بود، اما معمولاً نخ‌ها را به صورت ۵ لایه پیچیده و آماده می‌کردند.

البته بعضی افراد بر حسب عادت، بدون استفاده از چار و به کمک فرد دیگری، نخ‌ها را پیچانده و چند لایه می‌کردند.

پس از پیچاندن، نوبت به ریسیدن یا تابیدن گمبل می‌رسید. برای این کار، «چله» (čelle) (چرخ یا دوک نخریسی) را پیش روی خود قرار داده و گمبله را هم در کاسه‌ی مسی می‌گذاشتند و سر آن را به دست گرفته، نم می‌زدند و دور «دک» (dokk) (دوک: میله کوچکی بود و به چرخ و دسته چل نصب بود) می‌پیچیدند و ادامه نخ‌ها را به دست چپ می‌گرفتند و با دست راست، دسته‌ی چله را مرتب می‌چرخاندند. بدین شیوه، نخ‌ها از دور گمبله باز و دور دک پیچیده می‌شد

و به صورت پیچیده‌ای به نام «دولچه» (dulce) در می‌آمد. نخ را قطع می‌کردند، دولچه را از سر دُک بیرون می‌کشیدند و کنار می‌گذاشتند. دولچه، نخ آماده شده برای دیوچنی بود؛ اما بعضی افراد، باز هم دولچه را به صورت گُمبله یا «پیچینه» (pičine) درمی‌آوردند و سپس برای دیوچنی استفاده می‌کردند.

زنان و دختران با استفاده از گُمبله یا پیچینه در ضخامت‌های مختلف (که اصطلاحاً آن را یک لایه یا چند لایه می‌گویند) و سوزن مخصوص، به دیوچنی می‌پرداختند. هر چه نخ به کار رفته نازک‌تر باشد، مرغوبیت گیوه نیز بیشتر است.

۲. «گندوز» (ganduz): به سوزن دیوچنی، گندوز گفته می‌شود. این سوزن، فلزی باریک به بلندی ۱۰ سانتی‌متر است و نوک کُندی دارد. گندوز و دِسه مهم‌ترین ابزار دیوچنی هستند.

۳. «گندوز بن‌پلک» (ganduze): نوعی سوزن هم اندازه گندوز، منتهی کمی ضخیم‌تر برای «بن‌پلک» زدن (bena-pelk). استاد شیوکش بعد از اتمام کار ساخت شیو، دورتادور سطح مقطع داخلی آن را توسط نخ پنج لا و درفش مخصوص و به فرم زیگزاگ (مورب) تودوزی می‌کند که به آن پلک گفته می‌شود. منظور از بن‌پلک، بافتن اولین دور دیو (رویه گیوه) بر روی پلک است که با ابزار گندوز بن‌پلک انجام می‌شود. هر دور یا ردیف از گره در سطح رویه گیوه، یک «دوار» (duār) گفته می‌شود. واژه دوار معادل دیوار در پارسی است.

۴. «خَط‌کش» (xatkeš): خط‌کش، نوعی سوزن است که قطر و بلندی کمتر (۶ سانتی‌متر)، ظاهری براق‌تر و نوکی تیزتر از گندوز دارد. از خط‌کش برای زیباتر کردن دیو استفاده می‌شود؛ بعد از بافتن هر دوار (دیوار)، خط‌کش را روی گره‌های آن دوار می‌کشند تا برجسته شده و زیباتر به نظر برسد.

۵. «تغ» (teq): تکه‌ای تیغ برنده که برای بریدن دِسه مورد استفاده قرار می‌گرفت. در دهه‌های اخیر از تیغ کوچک خودتراش برای این کار استفاده می‌شود.

۶. «شیو» (šiva) و «تخته» (taxta) (کفی و تخت گیوه): در وفس برخلاف اکثر

نقاط تولید گیوه در ایران که در آنها دیو و شیو، ابتدا جداگانه تهیه شده و سپس دیو بر روی شیو دوخته می‌شود، از همان ابتدا، دیو مستقیماً بر روی شیو که قبلاً توسط شیوکش ساخته شده بود، بافته می‌شد. یعنی دیوچن، ابتدا شیو را به طور آماده تحویل می‌گرفت و سپس شروع به بافتن دیو روی آن می‌نمود. این کار بر مرغوبیت گیوه تولیدی می‌افزود و از مراحل کار می‌کاست، یعنی به جای اینکه سه گروه یا فرد مستقل یک گیوه را تولید نمایند، این کار توسط دو نفر یا دو گروه انجام می‌شد. در مواردی که دیوچن نمی‌توانست شیو را تهیه کند از «تخته» (taxta) (تخته‌ی چوبی) به جای شیو استفاده می‌نمود و بعد از بافتن دیو بر روی تخته، آن را جدا کرده، بر روی شیو می‌دوخت. این نوع گیوه، کیفیت پایین‌تری داشت و به آن «دیودوت» (diva-dutta) (رویه دوخته شده) گفته می‌شد. این امکان نیز وجود داشت که دیو به تنهایی به فروش برسد. تخت توسط نجارهای وفس و در اندازه‌های گوناگون ساخته می‌شد.

طرز بافتن رویه گیوه

زنان و دختران دیوچن، ابتدا شیو و یا تخته فراهم می‌کردند. طرز بافتن روی شیو و تخته یکسان و شبیه هم بود، تنها تفاوتش این بود که اگر دیو قرار بود روی شیو بافته شود ابتدا باید با کمک گندوز بن‌پلک، بر روی پلک که توسط شیوکش در سطح گیوه بافته شده بود، بن‌پلک زده شود. ولی در هنگام استفاده از تخته، احتیاجی به گندوز بن‌پلک نیست (این اصطلاحات در مبحث قبل توضیح داده شد) و به این صورت عمل می‌شود: دیوچن بعد از انتخاب تخته، پارچه‌ای روی آن می‌کشد و از زیر تخته، پارچه را محکم می‌کند. سپس بر روی پارچه یک «شِبکه» (šabake) می‌زند. یعنی دورتادور روی تخته را، در اندازه‌ی مورد نظر خود می‌بافد تا دیوچنی را روی آن انجام دهد. بعد از این کار همانند بافتن روی شیو، با استفاده از گندوز شروع به بافتن می‌کند.

برای استفاده از گندوز که سوزن اصلی و در حقیقت مهم‌ترین ابزار دیوچنی است ابتدا آن را نخ می‌کنند. سپس بسته به نوع کفی مورد استفاده (که

در بالا توضیح داده شد)، بر روی بن‌پلک و یا بر روی شِبکه، اولین و دومین دوار بافته می‌شود. یعنی دورتادور شیو و دقیقاً بر روی بن‌پلک، دو دوار با کمک گره‌های متوالی و در کنار هم بافته می‌شود. بعد از بافتن دو دوار اولیه، دیوچن به سراغ «پاشن» (pāšna) (پاشنه) می‌رود و نزدیک به ۷ تا ۸ دوار در قسمت پاشن می‌بافد که اصطلاحاً به آن «دوار پاشن» (duār-pāšna) (دیوار پاشنه) می‌گویند. برای بافتن دوار پاشن، از یک طرف پاشن شروع می‌کنند و با گره زدن‌های متوالی به طرف دیگر ختم می‌کنند و سر دِسه را در میان گره‌ها مخفی می‌نمایند. بعد از پاشن، وارد مرحله‌ی «پنج» (penja) (پنجه) می‌شوند که قسمت جلوی دیو می‌باشد. بافت پنج از کمترین گره شروع شده و تا بالا و بیشترین گره افزایش پیدا می‌کند تا اینکه به نزدیکی و تقریباً مقابل پاشن برسد. سپس دوباره به سراغ پاشن رفته و چند دوار دیگر روی آن می‌بافند تا در محل مناسب خود قرار بگیرد. در نهایت با بافتن یک یا چند دوار سراسری بر روی سطح مقطع نهایی رویه، که به آن «برگشت» (bargašt) می‌گویند، کار بافتن رویه را تمام می‌کنند. برگشت که در حقیقت لبه‌ی رویه است، به دلیل نوع گره‌هایش، کمی ضخیم‌تر از سایر قسمت‌هاست و باعث قشنگی بیشتر گیوه می‌شود. لنگه‌ی دیگر گیوه را نیز دقیقاً به همان اندازه و شکل لنگه‌ی اول می‌بافند.

در هنگام دیوچنی، این امکان وجود دارد که توسط گره، اشکال خاصی به منظور زیباتر کردن دیو در سطح آن، ایجاد شود. ساخت این اشکال کار زنان باتجربه بود و وقت زیادی طلب می‌کرد. دِسه مورد استفاده برای دیوچنی، در اغلب موارد سفیدرنگ بود و فقط در رویه گیوه‌های بچه‌گانه، از نخ‌های رنگی استفاده می‌شد. نخ‌های رنگی را خود زنان وفسی تهیه می‌کردند به این صورت که نخ سفید را در محلول رنگ مورد نظر خود می‌جوشانیدند و سپس آن را زیر نور آفتاب خشک می‌کردند. رنگ‌های مورد استفاده بیشتر آبی و قرمز بود و مستقیماً از شهر خریداری می‌شد.

شکست خوردن در مسیر ابتکار

بهتر از پیروزی
در تقلید است.